

آرزو ایمان لو

تفسیر داستان اول

در داستان یک روز اتفاق بسیار بزرگ خود را در آستان بزرگ می بیند. این تجربه در آستان تصادف یا حادثه بلکه در نتیجه بی اطلاعی و ترس
 بزرگ به وجود می آید بزرگ پس از آنکه از کتبی خود بیس حسود و در صحنه می ترسد و گمان می کند تا بدین اور خواهد مرد و قتی بزرگ
 بر این نشان می خواند بزرگ فکر می کند و تمام روز در انتظار بزرگ می ماند. بدو توجه ترس می بیند می شود و بر این توضیح می دهد که ترس بی دلیل است
 در بزرگ بزرگ می محمد ترس بی دلیل است از چیزهایی که اهمیت ندارد به ترسیده اند. از عالم بزرگ باید این آنچه محبت آفرین است اما جوی و
 روانه است این را عالم بزرگ اجازه نمی دهد ترس خود را راحت بیان کند در داستان این راه ای به قائم بزرگ نیست اما بزرگ قادر
 است احساسات خود از علم ترس را راحت تر بیان می کرد بیرون قادر به به خواستی که با این ترس بچه می شود اهمیت دهند.

تفسیر داستان دوم

داستان ششم، خانم داستان است بسیار ساده و روشن در عین حال بسیار جذاب. از جمله این داستان چیست؟ نادر روز با آدم های
 بسیاری روبه رو می شود اما طافان باین فرد زودتر و آینه عار او می کنند با وجودی خوشبین با سیم نه مودتین طافان با چنین افرادی نصیب می
 شود. اگر خانم جو نیز بزرگ را تحمل بدین می داد داستان باز پس تعریف درین بر آستان او با احساس مادرانه و استانی تصمیم گرفت خود پس به
 بزرگ درین دغدغه این محبت و بر براری او پس برای بزرگ می شود که فراموش کردن آن حیوان ساده نیست از محبت خانم جو این است
 که او بعد از انسان ها ذاتا محبت نیتند و این حل محبت عوامل مختلف از جمله خانواده و اجتماع حلقه های وسیع و بزرگ فریب می شوند با
 استن این نکته متفاوت خانم جو نیز در مورد بزرگ و نیز رفتار او با بزرگ به گونه متفاوت می بود.

تفسیر داستان سوم

داستان هفتم نیز همان به نام گدی انسان است. در این رمان خواننده از دیدگاه رمان داستان «هومر» به جهان می گردد و در خلال وصایای

داستان بزرگ از زبان نامن ازم است چه باشد. داستان از زبان بزرگ کرده، بازده ستم نقل می شود و ستم گری ندارد. وقایع دوران کودکی خود را با
 شرح طبع نقل می کند هم طور که خواننده ده گام خوانند داستان مرتب بخند می زند غمگین دیگر که برده تا میر داستان را افزاید و خواننده را به دنیای
 فخران داستان نزدیک می کند گفت و گوهای فراوان زنده و ملموس داستان است و در کل در این ده بازده ماکسی ممکن است فکرهای بلند که
 ناقص است به نظر می آید چرا که این نویسنده بزرگ دنیای بزرگ به دلیل آن همه تنوع و حیاط غار که از دنیای گسسته شده است.

تفسیر داستان هفتم

داستان فرزندان داستان که در آن نویسنده صاحب صفت فرزندان را به دقت توصیف کرده است داستان دردی بیاید که عادت ناپسندی است
 در اثر عوامل مختلف در وی بروز می کند.

تفسیر داستان هشتم

داستان بسیار ساده بزرگ به طراح مسئله تعیین میان فرزندان در خانواده ها به جهت است بعضی میان فرزندان کار ندارد است و
 آن که با آن که می رود و در بهشت نیاز فرزندان است ما و محبت کند.

تفسیر داستان نهم

نویسنده بزرگ در کل و در جوانان عقده نویسنده خوب است داستان عقده و در جوانان نویسنده داستان نویسنده را به اخصا تشریح می کند و
 فکر آهنگه تا برقراری اهمیت نوشتن برای در کل و جوانان تا گمید بیشتر کند.

داستان دهم

داستان فاتح داستان زندگی اسپانیایی است که از وطن خود مهاجرت کرد و در آنجا به بندگی عزت آن به زندگی داد و نداد بزرگ
 تنهایی داستان شبیه داستان است که او در مورد پیشین نقل می کند.